



دوماهنامه علمی- پژوهشی

د ۱۱، ش ۱ (پیاپی ۵۵)، فروردین و اردیبهشت ۱۳۹۹، صص ۱۱۱-۱۳۶

بررسی درک کنایه از دیدگاه فرضیه برجستگی تدریجی

لیلا عرفانیان قونسولی^{۱*}، شهلا شریفی^۲

۱. استادیار مرکز آموزش عالی کاشمر، کاشمر، ایران.

۲. دانشیار زبان‌شناسی، دانشگاه فردوسی مشهد، مشهد، ایران.

پذیرش: ۹۷/۰۲/۰۸

دریافت: ۹۶/۱۱/۳۰

چکیده

تحقیق حاضر به بررسی فرضیه برجستگی تدریجی^۱ و تأثیر آن بر کنایه پرداخته است تا بررسی شود عامل مهم در دسترسی ذهن به معنای کنایه چیست. هدف از انجام این تحقیق، سنجش RT (زمان خواندن) و شناسایی و تبیین رابطه بین ۳ متغیر نوع بافت (تحت‌اللفظی، تمثیلی) و میزان آشنا بودن عبارت (بسیار آشنا، آشنا و ناآشنا) و سرعت خواندن (آهسته، هم‌زمان و سریع) کنایه بوده است. برای هر کدام از نمونه‌های کنایه، یک بافت تأثیرگذار در معنای تحت‌اللفظی کنایه و یک بافت تأثیرگذار در معنای تمثیلی همان کنایه به‌وجود آمد. از نرم‌افزاری برای انجام آزمایش صفحه متحرک خودمهار استفاده شد که توانایی سنجش زمان خواندن عبارت‌ها را داشت. نتایج نشان داد، نمونه‌های کنایه، فرضیه برجستگی تدریجی را به‌طور کامل تأیید نکردند و نتایجی خلاف فرضیه برجستگی تدریجی حاصل شد به این صورت که بافت بیشتر بر معنای برجسته پیشی می‌گرفت و در درک تأثیر می‌گذاشت و این دو تأثیر موازی یکدیگر نداشتند. همچنین، بر اساس نتایج تحقیق چنین به‌نظر می‌رسد که معنای برجسته هم در عبارت‌های تمثیلی بسیار آشنا و هم در عبارت‌های تمثیلی آشنا، معنای تمثیلی است و معنای برجسته در عبارت‌های تمثیلی ناآشنا معنای تحت‌اللفظی و معنای تمثیلی است.

واژه‌های کلیدی: زبان تمثیلی، زبان‌شناسی شناختی، فرضیه برجستگی تدریجی، کنایه.

۱. مقدمه

در زبان تمثیلی، منظور سخن‌گو غیر از چیزی است که بیان می‌کند. این بدان معناست که گویا اصول همکاری گرایس^۲ (1975) دائماً در حال نقض شدن است (Kreuz & Roberts, 1993).

یکی از تحقیق‌های رایج در مورد پردازش جمله و واژه از دهه‌های گذشته تاکنون دربارهٔ این بوده است که تا چه اندازه بافت در درک مؤثر است و این تأثیر چگونه است (Coulson & Kutas 1998)؛ از جمله تحقیق‌هایی که در این زمینه کمتر به چشم می‌خورد، پژوهشی جامع است که این فرایند را بررسی کند و میزان تأثیر عوامل دخیل در درک و رسیدن به معنا را به آزمون گذارد تا نسبت سهم هر یک از این عناصر در رساندن شنونده به معنا روشن شود. اینکه ذهن چگونه چیزی را درک می‌کند که نشنیده است یا خلاف چیزی است که شنیده است، بسیار جالب و بررسی آن می‌تواند بسیار راهگشا باشد.

یکی از فرضیات در مورد درک زبان تمثیلی، فرضیه‌ای است که از سوی گیورا^۲ (1997) مطرح شده است و در ادامه، به تفصیل معرفی خواهد شد. در این تحقیق قصد داریم به این مسئله بپردازیم که آیا الگوی مطرح‌شده از سوی گیورا در نمونه‌های کنایه در زبان فارسی و بین فارسی‌زبانان مورد بررسی صادق است یا خیر. شاید نتیجهٔ این بررسی بتواند گره‌ای از مسائل روز مطرح در زبان‌شناسی را بگشاید. این تحقیق می‌تواند پایه‌ای باشد برای مشخص کردن اینکه برای بیان نظریات در حوزهٔ زبان، به چه عواملی توجه بیشتری نماییم تا نظریه، واقع‌گرایانه‌تر باشد. همچنین، می‌تواند پیامدهایی برای امر آموزش داشته باشد و دلیل عدم توانایی زبان‌آموزان در کاربرد و درک عبارات‌های تمثیلی زبان دوم را می‌توان معلوم کرد و با برجسته کردن معنای تمثیلی و با جایگزینی آن با معنای تحت‌اللفظی در ذهن زبان‌آموزان، این مشکل را حل کرد. در زمینهٔ ترجمه نیز با مطالعهٔ فرهنگ زبان هدف و دانستن معنای برجستهٔ سخن‌گویان آن فرهنگ، امکان ترجمه‌ای مناسب برای مفاهیم آن زبان فراهم می‌شود.

همچنین، از نتایج این تحقیق می‌توان در تجزیه و تحلیل گفتار نیز سود جست و دریافت چگونه سخن‌گو مطلبی را بیان می‌کند؛ اما شنونده معنایی فراتر از آن درک می‌کند. درک شیوهٔ دسترسی ذهن به معنا، می‌تواند اهمیت عناصر دخیل در درک معنا را مشخص نماید و به روشن شدن سازوکار ذهن در دسترسی به معنا کمک کند. همچنین، با انجام چنین آزمایش‌هایی می‌توان فهمید برای رفع ابهامات در برقراری ارتباط به چه جنبه‌هایی باید تأکید کرد و می‌توان مشخص کرد، معنای بر چه اساسی در ذهن برجسته می‌شوند و درک عبارت-های مبهم و تمثیلی چگونه اتفاق می‌افتد. با استفاده از یافته‌های چنین تحقیق‌هایی می‌توان در روابط اجتماعی و در خلق آثار ادبی بر عوامل برجسته‌کنندهٔ معنا تأکید کرد. همچنین، برونداد

چنین تحقیق‌هایی به ایجاد انگاره‌هایی در هوش مصنوعی کمک می‌کند و در حل نارسایی‌های زبانی می‌تواند کارآمد باشد. همچنین، می‌توان بخشی از اشتباه‌ها و لغزش‌های زبانی در درک و تولید زبان را تا حدودی توجیه کرد و مهم‌تر از همه اینکه سازوکار فعالیت ذهنی در درک زبانی را بیشتر آشکار می‌نماید.

فرضیه برجستگی تدریجی، سبب آشتی بین نظریه‌های مختلف نیز می‌شود (Giora, 1998) و یافته‌های متناقض آن‌ها را به وسیله عامل برجستگی تدریجی، توجیه می‌کند. نظریه پردازان این فرضیه معتقدند، اگر تجربیات شخصی کافی داشته باشیم و به اندازه کافی در معرض چیزی باشیم، هر نوع اطلاعات درکی، اجتماعی یا احساس می‌تواند در ذهن ما برجسته شود تا حدی که در مقابل اطلاعات بافتی مقاومت کند (Zajonc, 2000). بنابراین، از نتایج این تحقیق برای بسیاری از حوزه‌های دیگر که حتی حوزه‌های روزمره زندگی است، می‌توان استفاده کرد؛ چون عقیده بر این است که این انگاره، بر اساس سازوکار طبیعی ذهن انسان عمل می‌کند.

پرسش‌هایی که این تحقیق در پی یافتن پاسخی برای آن‌هاست از این قرارند:

۱. آیا عبارتهای کنایی ناآشنا و دو عبارت بعد از آن، در بافت تمثیلی و تحت‌اللفظی، با سرعت برابر خوانده می‌شوند؟

۲. آیا عبارتهای کنایی آشنا و دو عبارت بعد از آن، در بافت تمثیلی و تحت‌اللفظی، با سرعت برابر خوانده می‌شوند؟

۳. آیا عبارتهای کنایی بسیار آشنا و دو عبارت بعد از آن، در بافت تمثیلی و تحت‌اللفظی، با سرعت برابر خوانده می‌شوند؟

بر اساس این پرسش‌ها، فرضیه‌های تحقیق از این قرارند:

۱. عبارتهای کنایی ناآشنا و دو عبارت بعد از آن، در بافت تحت‌اللفظی، سریع‌تر از بافت تمثیلی خوانده می‌شوند.

۲. عبارتهای کنایی آشنا و دو عبارت بعد از آن، در بافت تمثیلی و تحت‌اللفظی، با سرعت برابر خوانده می‌شوند.

۳. عبارتهای کنایی بسیار آشنا و دو عبارت بعد از آن، در بافت تحت‌اللفظی، کندتر از بافت تمثیلی خوانده می‌شوند.

هدف از انجام این تحقیق، سنجش RT (زمان خواندن) و شناسایی و تبیین رابطه بین ۳

متغیر نوع بافت (تحت‌اللفظی، تمثیلی) و میزان آشنا بودن عبارت (بسیار آشنا، آشنا و ناآشنا) و سرعت خواندن (آهسته، هم‌زمان و سریع) کنایه بوده است. برای انجام این تحقیق، در مرحله اول به افراد مورد آزمون، عبارت‌ها در بافت تمثیلی ارائه می‌شود و سرعت خواندن آن‌ها اندازه‌گیری می‌شود. در مرحله دوم، به همان افراد مورد آزمون، عبارت‌ها در بافت تحت‌اللفظی ارائه و سرعت خواندن آن‌ها اندازه‌گیری می‌شود تا سرعت خواندن در بافت تمثیلی با سرعت خواندن همان فرد در بافت تحت‌اللفظی مقایسه شود.

۲. پیشینه تحقیق

گیورا در مقاله‌ای در سال ۱۹۹۷ فرضیه برجستگی تدریجی را مطرح کرد و از آن پس، از سوی خود او روی زبان عبری و از سوی همکاران، بسیار به آن توجه شد. گیورا و همکاران^۴ (۱۹۹۸) آزمایش‌هایی انجام دادند که فرضیه برجستگی تدریجی و نظریه منفی‌سازی غیرمستقیم را تأیید می‌کند و برای آزمایش‌ها در این مقاله، از کنایه‌های ناآشنا استفاده شد و زمان پاسخ‌گویی سنجیده شد. در تحقیق دیگری که گیورا و فین (۱۹۹۹) بر پایه فرضیه برجستگی تدریجی و روی تعدادی کنایه انجام دادند، زمان خواندن اندازه‌گیری شد و محققان شواهدی ارائه کردند که فرضیه برجستگی تدریجی را تأیید می‌کند. در تحقیقی که شوابل و همکاران^۵ (۲۰۰۰) انجام دادند، پردازش تمجید کنایی^۱ و نقد کنایی^۶ با پردازش برابر تحت‌اللفظی آن‌ها مقایسه شد. آن‌ها از شیوه‌ای استفاده کردند که شبیه صفحه متحرک بود که در آن، افراد مورد آزمون متنی را عبارت به عبارت با فشردن کلید می‌خواندند. در انتها، نتایج، فرضیه فعال شدن معنای تحت‌اللفظی را در مورد نقد کنایی و نه تمجید کنایی تأیید کرد و همچنین، فرضیه نشئت نیز با این آزمایش تأیید نشد. نتایج چهار آزمایش دیگر که از سوی گیورا و همکاران (۲۰۰۷) روی کنایه انجام شد این نظر را تأیید می‌کند که صرف‌نظر از اطلاعات بافتی، وقتی تعبیر عبارتی بر معنای برجسته اجزا وابسته نیست، تعبیر آن سریع‌تر روی نمی‌دهد. آکیموتو و همکاران^۷ (۲۰۱۲) در مقاله‌ای، فرایندهای درک کنایه را بررسی کردند. نتایج آزمایش، این فرضیه را تأیید کرد که هم معنای کنایی (آزمایش اول) و هم معنای تحت‌اللفظی برجسته (آزمایش ۲ الف) سریع فعال شدند. بار شناختی، مانع از عدم فعال شدن معنای کنایی غیر مورد

نظر شده است (آزمایش ۳) و بر بقای معانی برجسته تأثیر نداشت (آزمایش ۴). کنایه عمدی، زمان خواندن طولانی‌تری نسبت به کنایه غیرعمدی و عبارتهای تحت‌اللفظی (آزمایش ۵) داشت.

روی زبان فارسی نیز تحقیقاتی صورت گرفته است. عرفانیان و همکاران (۱۳۹۲) در رساله دکتری، به بررسی فرضیه برجستگی تدریجی در عبارتهای تمثیلی زبان فارسی پرداختند و به این نتیجه رسیدند که داده‌های مورد بررسی در زبان فارسی، این فرضیه را به صورت کامل تأیید نمی‌کند. عرفانیان و شریفی (۱۳۹۳) نیز به بررسی استعاره‌های زبان فارسی از منظر فرضیه برجستگی تدریجی پرداختند و به این نتیجه رسیدند که فرضیه برجستگی تدریجی به صورت تمام و کمال در داده‌های زبان فارسی تأیید نمی‌شود. عرفانیان و همکاران (۱۳۹۳) در مقاله‌ای به بررسی فرضیه برجستگی تدریجی پرداخته‌اند. در این تحقیق نگارندگان قصد داشتند این فرضیه را آزمایش کنند که آیا معنای برجسته تحت‌اللفظی کنایه که ناسازگار با بافت است در یک مکالمه دوستانه فعال شده و فعال می‌ماند یا خیر. برای آزمودن این فرضیه از مکالمات طبیعی استفاده شده است. نتیجه، تأییدی بر فرضیه برجستگی تدریجی بود؛ زیرا نشان داد معنای برجسته تحت‌اللفظی کنایه، با وجود ناسازگاری با بافت فعال شده است. شیرازی عدل و ساسانی (۱۳۹۲) در تحقیقی مفهوم دیدگاه را از منظر زبان‌شناسی شناختی بررسی کرده‌اند که دیدگاه، حاوی مفاهیمی است که مفهوم برجستگی در نظریه گیورا نیز از آن مفاهیم است و آن را در تحلیل داستان بررسی کرده‌اند. آزاد و منشی‌زاده (۱۳۹۴) نیز، در مقاله‌ای مهم‌ترین مدل‌های روان‌شناختی را در درک اصطلاحات معرفی کرده‌اند و کارایی این مدل‌ها را بررسی کرده‌اند.

۳. چارچوب نظری

۳-۱. معنای تحت‌اللفظی^۱ - معنای تمثیلی^۲

• معنای تحت‌اللفظی، معنای واژگانی است؛ یعنی معنایی غیرتمثیلی، تثبیت‌شده در ذهن، بسیار ترکیبی (Ariel, 2002)، بی‌توجه به بافت، شفاف و وابسته به شرایط صدق^۱ (Katz, 1977).

- معنای تمثیلی در مقابل معنای تحت‌اللفظی قرار دارد؛ یعنی معنایی فرازبانی، غیرمستقیم، استنتاج‌شده، غیرترکیبی، وابسته به بافت و ناشی از معنی ضمنی (Ariel, 2002).

۳-۲. نظریات مختلف درباره درک زبان

دیدگاه سنتی درک زبان بر این اصل استوار است که از ترکیب معنای واژه‌ها و ساخت‌های دستوری در ذهن، می‌توان به معنای جمله رسید. بنابراین، برخی بر تأثیر واژگان و ساخت‌های دستوری ناشی از آن‌ها و کنار هم قرار گرفتن آن‌ها در دستیابی به معنا اعتقاد دارند (نظریات چامسکی تا قبل از حاکمیت و مرجع‌گزینی). برخی بافت را نیز عامل مهمی محسوب می‌کنند (نظریه بخش بخش^{۱۲} (Fodor, 1983)، انگاره جست‌وجوی زنجیره‌ای^{۱۳} (Forster, 1976, 1979)، نظریه دسترسی مستقیم^{۱۴} (Bates, 1999؛ Bates & Mac Whinney, 1989؛ Mac Whinney, 1987) و برخی عواملی همچون میزان آشنا بودن، بسامد، نمونه اولیه بودن و متداول بودن را نیز علاوه بر بافت و مقدم بر آن، در درک معنا دخیل می‌دانند (فرضیه برجستگی تدریجی^{۱۵} (Giora, 1997)).

در مورد زبان تمثیلی، افرادی مانند فودور (1983) بر این اعتقادند که برای درک معنای آن، ابتدا ذهن به معنای تحت‌اللفظی دست می‌یابد و اگر این معنا، معنای موردنظر نبود، معنای تمثیلی بررسی می‌شود (نظریه بخش بخش و ...). برخی دیگر مانند بیتز (1999)، بیتز و همکاران (1989) و مک وینی (1987) معتقدند از همان ابتدا به دلیل تأثیر بافت، ذهن به معنای تمثیلی دست می‌یابد (نظریه دسترسی مستقیم و مشابه آن). عده‌ای دیگر مانند گیورا (1997) معتقدند ابتدا معنایی فعال می‌شود که آشناتر، پربسامدتر، متداول‌تر یا نمونه اولیه‌تر است (فرضیه برجستگی تدریجی).

در مورد زمان تأثیرگذاری بافت نیز بحث‌های زیادی وجود دارد. عده‌ای مانند بیتز و همکاران (1989) معتقدند از ابتدا بافت در دسترسی به معنا تأثیر دارد (نظریه دسترسی مستقیم و مشابه آن) و عده‌ای دیگر مانند فودور (1983) معتقدند بافت از ابتدا وارد عمل نمی‌شود (نظریه بخش بخش و مشابه آن).

۳-۳. فرضیه برجستگی تدریجی

در فرضیه برجستگی تدریجی فرض بر این است که فرایند دسترسی واژگانی، ترتیبی است: در این نظریه اعتقاد بر این است که معانی برجسته‌تر، معانی تثبیت‌شده در ذهن هستند که به دلیل متداول بودن^{۱۱}، بسامد^{۱۷}، آشناتر بودن^{۱۸} یا نمونه اولیه بودن^{۱۹} و انگیزه بودن^{۲۰} برجسته‌تر هستند و نسبت به معانی‌ای که برجستگی کمتری دارند سریع‌تر در دسترس قرار می‌گیرند و به سطح لازم فعال شدن می‌رسند (Giora, 1997). بر اساس این فرضیه، به محض مواجه شدن با واژه، این معانی تثبیت‌شده در ذهن بی‌توجه به اطلاعات بافتی یا نیت نویسنده، در دسترس قرار می‌گیرند. معانی تثبیت‌نشده در ذهن که برجستگی کمتری دارند نمی‌توانند به سطح لازم فعال شدن برسند و در بافتی که منطبق با معنای برجسته‌تر است، مشهود شوند.

از سویی، اطلاعات بافتی می‌توانند فوراً بر درک تأثیر بگذارند. بافتی که خیلی مؤثر در معنای خاصی است ممکن است خیلی سریع آن معنا را فعال کند؛ در غیر این صورت، بافت در دسترسی واژگانی نفوذ نمی‌کند. اگر چه بافت قوی نقشی پیش‌بینی‌کننده دارد و می‌تواند به-دست آمدن معنایی خاص را سرعت ببخشد؛ اما نمی‌تواند در هنگام مواجه شدن با محرک واژگانی، فعال شدن معنایی‌ای که نامناسب، ولی برجسته هستند را مانع شود. بنابراین، اطلاعات بافتی ممکن است قوی و سریع‌تر از فرایندهای واژگانی باشند، به طوری که حتی قبل از مواجه شدن با محرک مورد نظر می‌توانند معنای خاصی را فعال کنند و سبب افزایش اثر دسترسی مستقیم شوند. این زمانی وقوع می‌یابد که محرک در انتهای بافتی قوی قرار گرفته است و به حدس و استنتاج منجر می‌شود. اگر چه این عمل، سبب مداخله در فرایندهای واژگانی نمی‌شود؛ بلکه به طور موازی با آن اتفاق می‌افتد. درحقیقت، فقط معنایی‌ای که منطبق با بافت هستند برای درک ارسال می‌شوند؛ ولی فعال شدن معنایی نتیجه هماهنگی با اطلاعات بافتی نیست؛ بلکه به-دلیل برجستگی آن‌هاست (Giora, 2003: 11).

۳-۴. آشنایی

هر چه معنایی آشناتر باشد، سریع‌تر بازیابی می‌شود که مراد از آشنایی در اینجا، آشنایی تجربی است (*Ibid*: 11).

۳-۵. تدریجی بودن / درجه‌بندی

برجستگی، تدریجی و درجه‌بندی شده است؛ یعنی اعتقاد بر این است که معنی واژگان ثابت نیست؛ بلکه متغیر است (Ibid: 18). همچنین، فرضیهٔ برجستگی تدریجی بر این اعتقاد است که واژگان^{۲۱} ذهنی، تحت تأثیر یادگیری و تغییر است. از آنجا که یادگیری، یعنی: «تولید نمونه‌های وابسته به تجربه یا آخرین تغییر در چنین نمونه‌هایی بر پایهٔ تجربه، ساختار سلسله مراتبی واژگان که بر اساس برجستگی چیده شده است، غیرثابت است.

۳-۶. فرضیهٔ نشت^{۲۲}

در این فرضیه، اعتقاد بر این است که اشکال در پردازش عبارت هدف، در واژه‌هایی که بعد از آن عبارت می‌آیند نیز به‌چشم می‌خورد و تأثیر آن حفظ می‌شود. در پی چنین فرضیه‌ای، در نظریهٔ کاربردشناسی استاندارد و برجستگی بیان شده است که زمان خواندن عبارت هدف، در فاصلهٔ بعد از عبارت و در اولین واژهٔ جملهٔ بعد نیز ملموس است (Ibid: 83).

۳-۷. عبارتهای تمثیلی

در ادبیات روان‌شناختی^{۲۳}، هشت نوع مختلف زبان تمثیلی شناسایی شده‌است (Kreuz & Roberts, 1993). این عبارتها که در آنها معنای تمثیلی معنای موردنظر است نه معنای تحت‌اللفظی، عبارتهای تمثیلی هستند. عبارت تمثیلی که در این تحقیق مورد بررسی قرار گرفته است، کنایه است که در ادامه معرفی می‌شود.

۳-۸. کنایه^{۲۴}

از نظر فرضیهٔ برجستگی تدریجی (Giora, 1997) و نظریهٔ منفی‌سازی غیرمستقیم (Ibid, 1995)، کنایه صورتی منفی است که از نشانگر منفی‌ساز آشکاری استفاده نمی‌کند. برای نشان دادن اینکه امور، متفاوت هستند از حالتی که مورد نظر و مطلوب است، بیشتر جمله‌ای مثبت («چه روز خوبی برای پیک‌نیک (در روزی طوفانی)») گفته می‌شود تا مفهومی منفی («چه روز بدی برای پیک‌نیک (در روزی طوفانی)») منتقل شود.

۴. روش تحقیق

هدف از انجام این تحقیق، سنجش RT (طول مدت خواندن) است و طرح این آزمایش 2x3x3 است که از ۲ نوع بافت (تحت‌اللفظی، تمثیلی) و ۳ نوع عبارت (بسیار آشنا، آشنا و ناآشنا) و ۳ نوع سرعت خواندن (آهسته، هم‌زمان و سریع) عبارات کنایی تشکیل شده است. بنابراین، هدف این است که سرعت خواندن کنایه در بافت‌های مختلف با هم مقایسه شود.

۴-۱. ابزار تحقیق

ابزار مورد استفاده در این تحقیق از این قرارند:

۴-۱-۱. متنها

مواد تحقیق شامل عبارات کنایی به زبان فارسی است که بر پایه تعاریف و معیارهای مطرح‌شده در بخش‌های پیش از منابعی که در ادامه بیان می‌شوند استخراج شدند. نمونه‌ای از این عبارت به شرح مواردی است که آورده می‌شود:

- چه هوای خوبی (در روزی که هوا طوفانی است)

تعداد نمونه‌ها شامل ۴۶ کنایه است. عبارات‌های کنایی حاصل ضبط مکالمه یک زن ۳۰ ساله و مرد ۲۸ ساله بود. این نمونه‌ها، نتیجه ضبط ۸ ساعت مکالمه غیر پی‌درپی است که برای تأیید روایی، به دو کارشناس ادبیات داده شد تا کنایی بودن آن را تأیید کنند و نمونه‌های حاضر در این تحقیق، نمونه‌هایی است که از سوی آن‌ها تأیید شده است.

سپس محقق برای هر کدام از نمونه‌ها، یک بافت مؤثر در معنای تحت‌اللفظی آن عبارت و یک بافت مؤثر در معنای تمثیلی همان عبارت به‌وجود آورد. نمونه بافت عبارت ذکرشده در موارد بالا، به شرح مواردی است که ذکر می‌شود:

- چه هوای خوبی

بافت تحت‌اللفظی: بیرون آمدم تا به پیاده‌روی بروم که دیدم خورشید می‌تابد. گفتم هوای خوبیست برای پیاده‌روی.

بافت تمثیلی: بیرون آمدم تا به پیاده‌روی بروم که دیدم برف می‌بارد. گفتم هوای خوبیست برای پیاده‌روی.

دو فایل ارائه مواد آزمایش تهیه شد، به طوری که هر فایل، فقط یک نوع بافت را نمایش می- داد. یک فایل شامل نمونه‌های مختلف کنایه‌های آشنا و ناآشنا و بسیار آشنا در بافت تحت- اللفظی بود و یک فایل دیگر، شامل نمونه‌های مختلف کنایه‌های آشنا و ناآشنا و بسیار آشنا در بافت تمثیلی بود.

۴-۱-۲. نرم افزار

برای انجام این تحقیق از شیوه صفحه‌های متحرک خودمهار استفاده شد. دلایل استفاده از شیوه صفحه متحرک خودمهار برای انجام این آزمایش، متعدد است. اولین دلیل این بود که این شیوه و شیوه مشابه آن (ردیابی چشم) هر دو به بررسی سرعت خواندن می‌پرداختند و بنابراین، طبق آزمایش‌های انجام شده از سوی جاست و همکاران (1982)، تورنتون و همکاران (2000)، گارنسی و همکاران (1997) بین نتایج به دست آمده در این نوع آزمایش (صفحه متحرک خودمهار) و شیوه مشابه آن (ردیابی چشم) تفاوت زیادی وجود ندارد. علاوه بر این، این شیوه مزیت بیشتر در دسترس بودن، ساده بودن اجرای آزمایش در آن، قابلیت انجام آزمایش در مقیاس وسیع (چه از نظر داده‌ای و چه از نظر افراد مورد آزمون) را دارا بود. دلیل دیگر استفاده از این روش، این بود که نتایجی به دست آید که با نتایج تحقیقات بیشتری قابل مقایسه باشد. شیوه اندازه‌گیری سرعت خواندن جزء پایه‌ترین شیوه‌های آزمایش در این زمینه و در حوزه این نظریه (برجستگی تدریجی) است و بیشتر محققان ابتدا از این شیوه برای آزمایش استفاده کرده‌اند. بنابراین، به عنوان اولین تحقیقاتی که در این زمینه در زبان فارسی انجام می‌شود، منطقی‌تر بود که پایه چنین آزمایش‌هایی با چنین شیوه‌ای بنا شود.

نرم افزار مورد استفاده، نرم افزاری برای انجام آزمایش صفحه متحرک خودمهار و با ویندوز بود و برای اندازه‌گیری زمان در این آزمایش استفاده شد. این نرم افزار به زبان برنامه نویسی C# (C- SHARP) و در محیط VISUAL STUDIO آماده شد که توانایی اندازه‌گیری و ضبط زمان با دقت بیش از هزارم ثانیه را داشت.

به دلیل ناسازگاری نرم افزارهای متداول با الفبای فارسی، امکان استفاده از نرم افزارهای دیگر موجود نبود و صحت محاسبات زمانی این نرم افزار در تحقیقات انجام شده از سوی چمبرز و برون^{۲۰} (2003) و مک کینی و همکاران^{۲۶} (1999) به اثبات رسیده است. آن‌ها در

تحقیقات خود دقت اندازه‌گیری زمان از سوی نرم‌افزارهای با ویندوز را تأیید کرده‌اند.

۴-۱-۳. پیش‌آزمون

این تحقیق مشتمل بر ۲ پیش‌آزمون بود.

۴-۱-۳-۱. پیش‌آزمون ۱

در پیش‌آزمون ۱، قبل از ایجاد بافت برای نمونه‌های گردآوری‌شده عبارت‌های کنایی، پیش-آزمونی برگزار شد تا مشخص شود میزان آشنایی افراد با این نمونه‌ها چقدر است. میزان آشنایی باید روی محوری هفت ارزشی از ۱ تا ۷ مشخص می‌شد که از ۱ (کمترین میزان آشنایی) تا ۷ (بیشترین میزان آشنایی) بود. افراد مورد آزمون در این پیش‌آزمون، ۲۰ دانشجوی رشته زبان (۸ مرد و ۱۲ زن، بین سن ۱۸ تا ۲۷ سال) دانشگاه غیرانتفاعی بینالود مشهد بودند که این آزمون به‌عنوان کار کلاسی آن‌ها بود و برای آن‌ها در قبال انجام آن، نمره در نظر گرفته شده بود.

۴-۱-۳-۲. پیش‌آزمون ۲

در پیش‌آزمون ۲، برای اطمینان از اینکه بافت‌های تحت‌اللفظی و تمثیلی ساخته‌شده برای نمونه‌های آشنا، بسیار آشنا و ناآشنای کنایه که از سوی خود محقق ساخته شده بود، به یک اندازه قوی است، برای هر کدام از بافت‌ها که در آن بافت، عبارت هدف نیز ذکر شده بود، محوری هفت ارزشی مشخص شد که در یک سر آن، معنای تحت‌اللفظی عبارت هدف و در سر دیگر، معنای تمثیلی همان عبارت ذکر شده بود. محور به هفت قسمت تقسیم شده بود و از افراد مورد آزمون خواسته شد مشخص کنند معنی هر جمله، به کدام معنی نزدیک‌تر است و این نزدیکی چقدر است.

دو کتابچه آماده شد که در یکی از آن‌ها، جملاتی بود که بافت در آن، مؤثر در معنای تحت-اللفظی بود و در دیگری، جملاتی گذاشته شده بود که در آن، بافت مؤثر در معنای تمثیلی بود. افراد مورد آزمون در این پیش‌آزمون، دو گروه ۲۳ نفره (هر گروه متشکل از ۱۱ مرد و ۱۲ زن، بین سن ۱۸ تا ۲۷ سال) بودند که دانشجویان گروه زبان انگلیسی دانشگاه غیرانتفاعی

بینالود مشهد بودند و این پیش‌آزمون به‌عنوان کار کلاسی آن‌ها بود و برای آن‌ها در قبال انجام آن، نمره در نظر گرفته شده بود. هر کتابچه به یک گروه داده شد و هر گروه، به کتابچه گروه دیگر دسترسی نداشت و هر فرد مورد آزمون فقط یک بافت را برای هر جمله هدف می‌دید. گفتنی است افرادی که برای انجام پیش‌آزمون‌ها انتخاب شدند در آزمون اصلی شرکت داده نشدند.

۴-۲. شیوه انجام تحقیق

پس از تجزیه نتایج پیش‌آزمون ۱، عبارت‌ها به ۳ گروه آشنا، بسیار آشنا و ناآشنا تقسیم شدند و بافت‌هایی برای آزمایش اصلی انتخاب شدند که از سوی پیش‌آزمون ۲، از نظر قوی بودن، یکسان با برابر خود بوده و این از سوی پیش‌آزمون ۲ تأیید شده بود. افراد مورد آزمون در آزمایش اصلی، شامل ۲۰ نفر از دانشجویان رشته زبان دانشگاه غیرانتفاعی بینالود مشهد بودند (۹ مرد و ۱۱ زن بین سن ۱۹ تا ۲۹ سال) که این آزمون به‌عنوان کار کلاسی آن‌ها بود و برای آن‌ها در قبال انجام آن، نمره در نظر گرفته شده بود.

داده‌های فایل‌های تحقیق روی نرم‌افزار ریخته شد. افراد مورد آزمون در مقابل رایانه‌های شخصی با ویندوز ۷ با سرعت پردازش بالا (دارای پردازشگر مرکزی سه هسته‌ای و ۲ گیگابایت حافظه اصلی) قرار گرفتند و نرم‌افزار صفحه متحرک خودمهار در مقابل آن‌ها اجرا شد.

تحقیق اصلی در دو مرحله اجرا شد که فاصله زمانی این مراحل، دو ماه بود. در مرحله اول به افراد مورد آزمون، عبارت‌ها در بافت تمثیلی ارائه شد و سرعت خواندن آن‌ها اندازه‌گیری شد. در مرحله دوم، به همان افراد مورد آزمون، عبارت‌ها در بافت تحت‌اللفظی ارائه شد و سرعت خواندن آن‌ها اندازه‌گیری شد. این فاصله زمانی بین دو آزمون به این دلیل بود که خواندن یک عبارت در بافت خاص، کلید برای آن عبارت در بافت دیگر ایجاد نکند. از طرفی لازم بود همان فرد مورد آزمون دوباره در مرحله دوم شرکت کند. به این دلیل که قرار بود سرعت خواندن او در بافت تمثیلی با سرعت خواندن همان فرد در بافت تحت‌اللفظی مقایسه شود تا تفاوت‌های فردی در سرعت خواندن، در نتایج خلل وارد نکند.

ابتدا روش کار هم از سوی آزمونگر برای هر فرد توضیح داده می‌شد، هم در صفحه مقدمه

برنامه، این توضیحات ذکر شده بود. سپس ۳ جمله به‌عنوان نمونه برای آن‌ها اجرا می‌شد تا با روند آزمون آشنا شوند. از افراد مورد آزمون خواسته شد با سرعتی بخوانند که روزنامه یا متون عادی را می‌خوانند و گفته شد آزمایش در مورد این است که بررسی شود چقدر خوب افراد می‌توانند با انواع مختلف نقص در هنگام خواندن برخورد کنند و گفته شد زمان خواندن آن‌ها ثبت می‌شود و کار آن‌ها این است که جملات را بخوانند و سعی کنند نمره کاملی در پرسش درک مطلب کسب کنند.

سرعت خواندن واژه یا عبارت تمثیلی و دو واژه یا فاصله بعد از آن (تأثیر نشت) اهمیت داشت و ضبط می‌شد (دو واژه‌ای که بعد از واژه یا عبارت هدف آمده بودند، واژه‌هایی خنثی بودند که در هر دو بافت، یکسان بودند).

در انتهای هر متن، پرسش درک مطلب «آری/ خیر» برای افراد مورد آزمون ارائه شد. این پرسش‌ها با این انگیزه طراحی شده بودند که افراد مورد آزمون را تشویق کنند جملات را بخوانند و درک کنند و آزمونگر متوجه شود آیا فرد در فرایند خواندن، توجه داشته است یا خیر. همچنین، سرعت خواندن هر فرد با میانگین خود او مقایسه می‌شد تا پاسخ‌هایی که فاصله زیادی با میانگین داشتند حذف شود. در انتها، زمان خواندن افرادی که پاسخ اشتباه داده بودند یا میانگین سرعت پاسخ غیرطبیعی داشتند از فهرست حذف می‌شد و افرادی با مشخصات مشابه، جایگزین می‌شد؛ ولی در مرحله دوم آزمون، شرکت‌کننده‌ای که پرسش را اشتباه پاسخ داده بود یا میانگین مطلوبی نداشت حذف می‌شد و شخصی جایگزین او نمی‌شد. جلسه آزمایش برای هر فرد حدود ۱۵ دقیقه طول کشید.

۵. ارائه و تجزیه و تحلیل داده‌ها

در مرحله دوم آزمون اصلی، داده‌های تعدادی از افراد مورد آزمون به‌دلیل صحیح پاسخ ندادن به پرسش‌های درک مطلب یا به‌دلیل نزدیک نبودن پاسخ آن‌ها به میانگین، حذف شد. بنابراین، از تعداد ۲۰ نفر که برای انجام آزمایش در هر گروه در نظر گرفته شده بود، در انتها داده‌های ۱۶ نفر مورد قبول قرار گرفت و وارد مرحله تجزیه و تحلیل شد.

بررسی فرضیه ۱

فرضیه ۱: عبارتهای کنایی ناآشنا و دو عبارت بعد از آن، در بافت تحت‌اللفظی، سریع‌تر از

بافت تمثیلی خوانده می‌شوند.

- کنایه ناآشنا - واژه هدف

میانگین طول مدت خواندن در بافت تمثیلی ۱۵۸۹/۰۴ و میانگین طول مدت خواندن در بافت تحت‌اللفظی ۱۷۰۰/۹۱ بود. این نشان می‌دهد طول مدت خواندن در بافت تحت‌اللفظی بیشتر از بافت تمثیلی است.

سپس آزمون نرمال بودن روی داده‌ها انجام شد. از آزمون نرمال بودن کولموگروف اسمیرنوف و آزمون شاپیرو ویلک استفاده شد. P - مقدار کمتر از ۰.۰۵ بود. بنابراین، فرض نرمال بودن رد شد.

برای بررسی داده‌ها از آزمون نا پارامتری ویلکاکسون استفاده شد. P - مقدار بیشتر از ۰.۰۵ بود. بنابراین، فرض صفر تأیید شد و بین زمان خواندن عبارت در دو بافت، تفاوت معنادار وجود نداشت.

- کنایه ناآشنا - تأثیر نشت

میانگین طول مدت خواندن در بافت تمثیلی ۵۶۷/۴۸۲ و میانگین طول مدت خواندن در بافت تحت‌اللفظی ۵۹۱/۵۳۶ است. این نشان می‌دهد طول مدت خواندن در بافت تحت‌اللفظی بیشتر از بافت تمثیلی است. سپس آزمون نرمال بودن روی داده‌ها انجام شد. از آزمون نرمال بودن کولموگروف اسمیرنوف و آزمون شاپیرو ویلک استفاده شد. P - مقدار کمتر از ۰.۰۵ بود. بنابراین، فرض نرمال بودن رد شد. P - مقدار بیشتر از ۰.۰۵ بود. بنابراین، فرض صفر تأیید شد و بین زمان خواندن عبارت در دو بافت، تفاوت معنادار وجود نداشت. برای بررسی داده‌ها از آزمون نا پارامتری ویلکاکسون استفاده شد.

بررسی فرضیه ۲

فرضیه ۲: عبارت‌های کنایه آشنا و دو عبارت بعد از آن، در بافت تمثیلی و تحت‌اللفظی، با سرعت برابر خوانده می‌شوند.

- کنایه آشنا - واژه هدف

میانگین طول مدت خواندن در بافت تمثیلی ۱۳۰۷/۹۸ و میانگین طول مدت خواندن در بافت تحت‌اللفظی ۱۴۳۶/۳۸ است. این نشان می‌دهد طول مدت خواندن در بافت تحت‌اللفظی بیشتر از بافت تمثیلی است. سپس آزمون نرمال بودن روی داده‌ها انجام شد. از آزمون نرمال بودن

کولموگروف اسمیرنوف و آزمون شاپیرو و یک استفاده شد. P- مقدار کمتر از ۰.۰۵ بود. بنابراین، فرض نرمال بودن رد شد.

برای بررسی داده‌ها از آزمون نا پارامتری ویلکاکسون استفاده شد. P- مقدار کمتر از ۰.۰۵ بود. بنابراین، فرض صفر رد شد و بین زمان خواندن عبارت در دو بافت، تفاوت معنادار وجود داشت. با بررسی میانگین متوجه می‌شویم که خواندن عبارت در بافت تمثیلی سریع‌تر از بافت تحت‌اللفظی بوده است.

- کنایه آشنا - تأثیر نشت

میانگین طول مدت خواندن در بافت تمثیلی ۵۸۱/۵۷۹ و میانگین طول مدت خواندن در بافت تحت‌اللفظی ۶۵۴/۱۰۷ بود. این نشان می‌دهد طول مدت خواندن در بافت تحت‌اللفظی بیشتر از بافت تمثیلی است.

سپس آزمون نرمال بودن روی داده‌ها انجام شد. از آزمون نرمال بودن کولموگروف اسمیرنوف و آزمون شاپیرو و یک استفاده شد. P- مقدار کمتر از ۰.۰۵ بود. بنابراین، فرض نرمال بودن رد شد. P- مقدار کمتر از ۰.۰۵ بود. بنابراین، فرض صفر رد شد و بین زمان خواندن عبارت در دو بافت، تفاوت معنادار وجود دارد. با بررسی میانگین متوجه می‌شویم که خواندن عبارت در بافت تمثیلی سریع‌تر از بافت تحت‌اللفظی بوده است. برای بررسی داده‌ها از آزمون نا پارامتری ویلکاکسون استفاده شد.

بررسی فرضیه ۳

فرضیه ۳: عبارت‌های کنایی بسیار آشنا و دو عبارت بعد از آن، در بافت تحت‌اللفظی، کندتر از بافت تمثیلی خوانده می‌شوند.

- کنایه بسیار آشنا - واژه هدف

میانگین طول مدت خواندن در بافت تمثیلی ۱۳۱۰/۷۹ و میانگین طول مدت خواندن در بافت تحت‌اللفظی ۱۹۵۰/۳۸ است. این نشان می‌دهد طول مدت خواندن در بافت تحت‌اللفظی بیشتر از بافت تمثیلی است.

سپس آزمون نرمال بودن روی داده‌ها انجام شد. از آزمون نرمال بودن کولموگروف اسمیرنوف و آزمون شاپیرو و یک استفاده شد. P- مقدار کمتر از ۰.۰۵ است. بنابراین، فرض نرمال بودن رد می‌شود.

برای بررسی داده‌ها از آزمون ناپارامتری ویلکاکسون استفاده شد. P - مقدار کمتر از ۰.۰۵ است. بنابراین، فرض صفر رد می‌شود و بین زمان خواندن عبارت در دو بافت، تفاوت معنادار وجود دارد. با بررسی میانگین متوجه می‌شویم که خواندن عبارت در بافت تمثیلی سریع‌تر از بافت تحت‌اللفظی بوده است.

- کنایه بسیار آشنا - تأثیر نشت

میانگین طول مدت خواندن در بافت تمثیلی ۶۲۱/۶۹۷۰۹۰ و میانگین طول مدت خواندن در بافت تحت‌اللفظی ۷۳۷/۹۵۶۳۴۹ است. این نشان می‌دهد طول مدت خواندن در بافت تحت‌اللفظی بیشتر از بافت تمثیلی است.

سپس آزمون نرمال بودن روی داده‌ها انجام شد. از آزمون نرمال بودن کولموگروف اسمیرنوف و آزمون شاپیرو ویلک استفاده شد. P - مقدار کمتر از ۰.۰۵ است. بنابراین، فرض نرمال بودن رد می‌شود.

برای بررسی داده‌ها از آزمون ناپارامتری ویلکاکسون استفاده شد. P - مقدار کمتر از ۰.۰۵ است. بنابراین، فرض صفر رد می‌شود و بین زمان خواندن عبارت در دو بافت، تفاوت معنادار وجود دارد. با بررسی میانگین متوجه می‌شویم که خواندن عبارت در بافت تمثیلی سریع‌تر از بافت تحت‌اللفظی بوده است.

۶. نتیجه

خلاصه نتایج به‌دست‌آمده در جدول شماره ۱ مشهود است.

جدول ۱: خلاصه نتایج تحقیق

Table 1. Summary of Results

ناآشنا		آشنا		بسیار آشنا		
تأثیر نشت	واژه هدف	تأثیر نشت	واژه هدف	تأثیر نشت	واژه هدف	
#۲	#۲	#۱	#۱	*۱	*۱	کنایه

۱. خواندن در بافت تمثیلی، سریع‌تر از بافت تحت‌اللفظی

۲. خواندن در هر دو بافت با سرعت یکسان

۳. خواندن در بافت تحت‌اللفظی، سریع‌تر از بافت تمثیلی

*= تأیید فرضیه

#=رد فرضیه

پاسخ به پرسش ۱: عبارتهای کنایی ناآشنا و دو عبارت بعدی آنها، در هر دو بافت با سرعت یکسان خوانده شدند که این خلاف پیش‌بینی‌های فرضیهٔ برجستگی تدریجی بود. همچنین، این نتیجه خلاف نتیجهٔ تحقیق گیورا و همکاران (۱۹۹۸)، گیورا و فین (۱۹۹۹)، گیورا و همکاران (۲۰۰۹)، گیورا (۲۰۱۱) و آکیموتو و همکاران (۲۰۱۲) است که در این تحقیقات، عبارتهای کنایی ناآشنا در بافت تحت‌اللفظی سریع‌تر از بافت تمثیلی خوانده شده بود. این یافته که عبارتهای کنایی ناآشنا در هر دو بافت با سرعت یکسان خوانده شدند مطابق با یافته‌های تحقیق گیورا و همکاران (۲۰۰۷) بود؛ اما این یافته که دو عبارت بعد از آنها در هر دو بافت با سرعت یکسان خوانده شدند خلاف نتایج تحقیق مذکور بود؛ به این دلیل که در تحقیق انجام‌شده از سوی گیورا و همکاران (*ibid*) دو عبارت بعد از عبارت کنایی ناآشنا در بافت تحت‌اللفظی سریع‌تر از بافت تمثیلی خوانده شده بود. همچنین، این یافته که دو عبارت بعد از آنها در هر دو بافت با سرعت یکسان خوانده شدند مطابق با یافته‌های تحقیق شوابل و همکاران (۲۰۰۰) است که در تحقیق آنها، تأثیر نشت به اثبات نرسیده بود.

• پاسخ به پرسش ۲: عبارتهای کنایی آشنا و دو عبارت بعدی آنها، در بافت تمثیلی سریع‌تر از بافت تحت‌اللفظی خوانده شدند که این خلاف پیش‌بینی‌های فرضیهٔ برجستگی تدریجی بود. همچنین، این نتیجه خلاف نتیجهٔ تحقیق گیورا و فین (۱۹۹۹) و گیورا و همکاران (۲۰۰۹) است که در این تحقیق‌ها، عبارتهای کنایی آشنا در هر دو بافت با سرعت برابر خوانده شده بودند.

• پاسخ به پرسش ۳: عبارتهای کنایی بسیار آشنا و دو عبارت بعدی آنها، در بافت تحت‌اللفظی، کندتر از بافت تمثیلی خوانده شدند که این مطابق پیش‌بینی‌های فرضیهٔ برجستگی تدریجی بود. همچنین، این نتیجه مطابق یافته‌های تحقیق گیورا و همکاران (۲۰۰۹) است. طبق نتایج به‌دست آمده، تمام نمونه‌های کنایهٔ بسیار آشنا (چه واژه‌های هدف چه تأثیر نشت) پیش‌بینی‌های فرضیهٔ برجستگی تدریجی را تأیید کردند و خواندن این عبارتها در بافت

تمثیلی سریع‌تر از بافت تحت‌اللفظی اتفاق افتاده است.

در نمونه‌های کنایه آشنا، سرعت خواندن چه در واژه هدف و چه در واژه‌های بعد از آن (تأثیر نشت)، در بافت تمثیلی سریع‌تر از بافت تحت‌اللفظی بوده است که این نتیجه، خلاف پیش‌بینی‌های فرضیه برجستگی و تأییدی بر پیش‌بینی‌های نظریه دسترسی مستقیم می‌تواند باشد. این نتیجه می‌تواند بیانگر این حقیقت باشد که تنها معنای برجسته کنایه آشنا، معنای تمثیلی آن است و یا می‌تواند به این دلیل باشد که بافت از همان ابتدا به بازشناسی واژه کمک کرده است و سبب شده است سرعت خواندن در بافت تمثیلی، سریع‌تر از بافت تحت‌اللفظی باشد.

در نمونه‌های کنایه ناآشنا، سرعت خواندن عبارت هدف و دو واژه پس از آن (تأثیر نشت) در بافت تمثیلی و تحت‌اللفظی یکسان بوده است که این خلاف پیش‌بینی‌های فرضیه برجستگی تدریجی است. دلیل چنین نتیجه‌ای شاید این است که معنای برجسته در نمونه‌های ناآشنای کنایه، هم معنای تحت‌اللفظی و هم معنای تمثیلی است نه معنای تحت‌اللفظی، آن‌گونه که فرضیه برجستگی تدریجی پیش‌بینی کرده است.

از آنچه بیان شد می‌توان چنین نتیجه‌گیری کرد که نتایج در بسیاری از موارد مطابق با پیش‌بینی‌های نظریه دسترسی مستقیم بود و شاید بتوان ادعا کرد نتایج این تحقیق، بیشتر تأییدی بر نظریه دسترسی مستقیم بود تا بر فرضیه برجستگی تدریجی و فرضیه برجستگی تدریجی به صورت تمام و کمال تأیید نشد.

شاید یکی از دلایل رد شدن فرضیه‌های تحقیق این است که آنچه در فرضیه برجستگی به‌عنوان معنای برجسته مطرح شده است با معنای برجسته بین آزمون‌شوندگان این تحقیق متفاوت است. به‌نظر می‌رسد نتیجه را به این صورت بتوان توجیه کرد که باید تعریف برجستگی مطرح‌شده از سوی گیورا را یک درجه تعدیل کرد. علاوه بر عبارت‌های تمثیلی بسیار آشنا که معنای برجسته در آن معنای تمثیلی است، ظاهراً در عبارت‌های تمثیلی آشنا نیز معنای برجسته بیشتر معنای تمثیلی است (نه معنای تمثیلی و تحت‌اللفظی آن‌گونه که ادعای فرضیه برجستگی تدریجی است). اگر این تعدیل یک‌درجه‌ای را به عبارت‌های تمثیلی ناآشنا نیز بسط دهیم به‌نظر می‌رسد معنای برجسته در این عبارت‌ها، معنای تحت‌اللفظی نیست (آن‌گونه که ادعای فرضیه برجستگی تدریجی است)؛ بلکه هم معنای تحت‌اللفظی و هم معنای تمثیلی در این عبارت‌ها برجسته است و همین سبب شده است این عبارت‌ها در دو بافت با سرعت برابر

خوانده شوند. بنابراین، میزان آشنا بودن عبارت تمثیلی به هر میزان که باشد، معمولاً معنای تحت‌اللفظی، معنایی نیست که به تنهایی فعال شود و معنای برجسته باشد؛ بلکه در بیشتر موارد، معنای تمثیلی یا به تنهایی یا همراه با معنای تحت‌اللفظی فعال شده است. بنابراین، می‌توان چنین الگویی را مجسم کرد که در آن، معنای برجسته عبارت‌های تمثیلی بسیار آشنا معنای تمثیلی است. این الگوی تا حدودی در عبارت‌های تمثیلی آشنا (هرچند با بی‌قاعدگی بیشتر) تکرار می‌شود. الگویی که فرضیهٔ برجستگی تدریجی ادعا می‌کرد باید در عبارت‌های تمثیلی آشنا ظاهر شود (برجسته بودن معنای تحت‌اللفظی و تمثیلی)، در عبارت‌های تمثیلی ناآشنا بروز کرد (هر چند استثنائاتی نیز مشهود بود) و الگوی مورد ادعای فرضیهٔ برجستگی تدریجی در عبارت‌های تمثیلی ناآشنا (برجسته بودن معنای تحت‌اللفظی) در بیشتر موارد مشاهده نشد که شاید دلیل این رفتار، حضور بافت باشد که به دلیل حضور بافت، معنای تحت‌اللفظی عبارت تمثیلی نمی‌تواند معنای برجسته باشد.

همچنین، این نتیجه ممکن است به دلیل تفاوت عبارت‌های تمثیلی بین زبان فارسی و زبان انگلیسی و عبری باشد. دلیل دیگر می‌تواند عدم صداقت و صحت افراد مورد آزمون، با وجود تمام کنترل‌هایی باشد که پیش‌بینی شده و اجرا شده بود. دلیل دیگر می‌تواند این باشد که شاید آن‌طور که در نظریهٔ برجستگی تدریجی مطرح شده است، فعال شدن معنای برجسته و به میان آمدن بافت، فرایندی موازی یکدیگر نیست و شاید آن‌طور که در نظریهٔ دسترسی مستقیم بیان شده است، بافت تأثیر ابتدایی دارد و از همان ابتدا، در دسترسی واژگانی تأثیر می‌گذارد. ممکن است فرایند درک، فرایندی موازی نباشد و بیشتر به صورت زنجیره‌ای باشد به این معنا که در این زنجیره، بافت جایگاه پیش‌تری از معنای برجسته و عامل‌های مرتبط با آن دارد. هر چند فرضیهٔ دسترسی مستقیم نیز با یافته‌های این تحقیق کاملاً تأیید نشد و نقض آن در مواردی به چشم خورد و شاید بتوان گفت بافت تأثیر زیادی در درک معنای عبارت‌های تمثیلی دارد و در بسیاری از موارد از برجستگی پیشی می‌گیرد و نمی‌توان به‌طور کامل، فرایند موازی معنای برجسته و بافت را در درک آن‌طور که ادعای فرضیهٔ برجستگی تدریجی است قبول کرد و نمی‌توان به‌طور کامل نیز بافت را مقدم دانست آن‌طور که مورد ادعای نظریهٔ دسترسی مستقیم است.

بر اساس نتایج می‌توان پیشنهاد کرد، بهتر است در تعریف برجستگی تعدیل ایجاد شود و به جای دسته‌بندی عبارت‌های تمثیلی به سه دستهٔ بسیار آشنا، آشنا و ناآشنا، بهتر است به

دودسته آشنا و ناآشنا تقسیم شوند که در نمونه‌های آشنا، معنای برجسته معنای تمثیلی است و در نمونه‌های ناآشنا، معنای برجسته معنای تمثیلی و تحت‌اللفظی است. این به آن دلیل است که به دلیل حضور بافت، به نظر می‌رسد معنای تحت‌اللفظی نمی‌تواند به تنهایی معنای برجسته باشد یا اینکه می‌توان عبارتهای تمثیلی را به چهار دسته بسیار آشنا، آشنا، کمتر ناآشنا و ناآشنا تقسیم کرد، به این دلیل که شاید دلیل حاصل شدن نتیجه مذکور این باشد که شرکت‌کنندگان با نمونه‌های آشنا همانند نمونه‌های بسیار آشنا رفتار کرده‌اند و وارد کردن نمونه چهارمی به نام نمونه‌های کمتر ناآشنا شاید بتواند چنین نتیجه‌ای را تعدیل کند.

با توجه به نتایج تحقیق حاضر پیشنهاد می‌شود چنین تحقیقی به روش‌های دیگر نیز اجرا شود (ردیابی چشم، بررسی‌های عصب‌شناختی، آزمون کامل کردن واژه گسسته و غیره) تا مشاهده شود آیا تکرار چنین تحقیقی با روش‌های دیگر به تکرار همین نتیجه منجر می‌شود یا خیر.

همچنین، پیشنهاد می‌شود این تحقیق به صورت مقایسه‌ای بین زنان و مردان انجام شود تا با مقایسه نتیجه حاصل دریا بیم آیا جنسیت بر شیوه درک زبان تمثیلی تأثیر دارد یا خیر. همچنین، پیشنهاد می‌شود این تحقیق به صورت مقایسه‌ای بین طبقات فرهنگی و اجتماعی متفاوت، بین افراد با رشته‌های تحصیلی متفاوت و یا حرفه‌های متفاوت، با میزان IQ و EQ متفاوت، با میزان تحصیلات متفاوت و بین افراد با رده‌های سنی متفاوت (سال‌خورده و جوان) انجام شود تا سنجیده شود، آیا این عواملها در درک زبان تمثیلی تأثیرگذار هستند یا خیر.

همچنین، می‌توان این تحقیق را روی نمونه‌های دیگر زبان تمثیلی انجام داد و نتایج را بررسی کرد یا با وسیع‌تر کردن جامعه آماری و گویه‌ها این آزمون را دوباره سنجید. تحقیق دیگری که در این راستا می‌توان انجام داد تحقیق روی مراحل بعدی درک (غیر از مرحله اولیه) است تا مشخص شود آیا ادعاهای فرضیه برجستگی تدریجی در مورد مراحل بعدی درک صادق است یا خیر.

۷. پی‌نوشت‌ها

1. graded salience hypothesis
2. Grice
3. Giora

4. Fein, Schwartz
5. Schwoebel, Dews, Winner, Srinivas
6. ironic praise
7. ironic criticism
8. Akimoto, Miyazawa, Shiho, Muramoto, Toshiaki
9. literal meaning
10. figurative
11. truth conditional
12. modular
13. serial search model
14. direct access view
15. graded Saliency Hypothesis
16. conventionality
17. frequency
18. familiarity
19. prototypicality
20. motivation
21. lexicon
22. spillover hypothesis
23. psychological literature
24. irony
25. chambers & Brown
26. McKinney, MacCormac, Welsh-Bohmer

۸. منابع

- آزاد، امید و مجتبی منشی‌زاده (۱۳۹۴). «رویکردهای غالب روان‌شناختی زبان درباره فرایند درک اصطلاح». *جستارهای زبانی*. د ۶. ش ۱ (پیاپی ۲۲). صص ۱ - ۲۰.
- شیرازی عدل، مهرناز و فرهاد ساسانی (۱۳۹۲). «دیدگاه از منظر زبان‌شناسی شناختی و کاربرد آن در تحلیل متن داستانی». *جستارهای زبانی*. د ۴. ش ۱ (پیاپی ۱۳). صص ۶۵ - ۸۷.
- عرفانیان، لیلا. و همکاران (۱۳۹۳). «چگونگی درک کنایه بر اساس فرضیه شناخت بنیاد برجستگی تدریجی». *اولین همایش ملی عصب - روان‌شناختی، انجمن زبان‌شناسی ایران*. تهران.

References:

- Akimoto, Y.; Miyazawa, S. & Muramoto, T. (2012). "Comprehension processes of verbal irony: the effects of salience, egocentric context, and allocentric theory of mind". *Metaphor and Symbol*. 27 (3).Pp. 217–242.
- Ariel, M. (2002). "The demise of a unique literal meaning". *Journal of Pragmatics*. 34. Pp. 361-402.
- Azad, O. & Monshizadeh, M. (2015). "The dominant psycholinguistic approaches on the process of idiom comprehension". *Language Related Research*. 6 (1). 1-20. [In Persian].
- Bates, E. & MacWhinney, B. (1989). "Functionalism and the Competition Model". In B. MacWhinney and E. Bates (Eds.), *the Crosslinguistic Study of Language Processing*, (Pp.3–73). Cambridge: Cambridge University Press.
- Bates, E. (1999). "On the Nature and Nurture of Language". In E. Bizzi, P. Calissano and V. Volterra (Eds.), *Frontiers of Biology: the Brain of Homo sapiens*, (Pp.241–265). Rome: Istituto Della Enciclopedia Italiana fondata da Giovanni Trecanni.
- Chambers, C. D. & Brown, M. (2003). "Timing accuracy under Microsoft Windows revealed through external chronometry". *Behavior Research Methods, Instruments, Computers*. 35 (1).Pp. 96-108.
- Coulson, S. & Kutas, M. (1998). "Frame-shifting and sentential integration, technical report". *CogSci*.Pp. 98.03.
- Erfaniyan Qonsuli, L.; Sharifi, Sh. & Meshkatod Dini, M.(2014a). *Irony comprehension according to the graded salience hypothesis*. The First National Conference of Neuro-Psychology. Tehran: Iran Linguistics Association. [In Persian].
- Erfaniyan Qonsuli, L.; Sharifi, Sh. & Meshkatod Dini, M. (2014b). *Figurative Language; A Survey on the Factors Related to the Semantic Comprehension; their Effectiveness and Psychological Reliability*. Ph.D. Dissertation. Ferdowsi University of Mashhad, Mashhad, Iran. [In Persian].
- Erfaniyan Qonsuli, L. & Sharifi, Sh. (2015). "Metaphor; a survey on the factors

related to semantic comprehension; their effectiveness and psychological reliability".
Journal of Language Research. 5(2). Pp. 77-96 [In Persian].

- Garnsey, S.; Pearlmutter, N. J.; Myers, E. & Lotocky, M. A. (1997). "The contributions of verb bias and plausibility to the comprehension of temporarily ambiguous sentences". *Journal of Memory and Language*. 37. Pp. 58-93.
- Giora, R. (1995). "On irony and negation". *Discourse Processes*. 19. Pp. 239-264.
- ----- (1997). "Understanding figurative and literal language: the graded salience hypothesis". *Cognitive Linguistics*. 8(3). Pp. 183-206.
- ----- (1998). "When is relevance? On the role of salience in utterance interpretation". *Revista Alicantina d'Estudios Ingleses*. 11. Pp. 85-94.
- ----- Fein O. & Schwartz, T. (1998). "Irony: graded salience and Indirect Negation". *Metaphor and Symbol*. 13. Pp. 83-101.
- ----- (1999). "Irony: context and salience". *Metaphor and Symbol*. 14(4). Pp. 241-257.
- ----- (2003). *On Our Mind: Salience, Context, and Figurative Language*. Oxford University Press.
- ----- Fein, O.; Laadan, D.; Wolfson, J.; Zeituny, M.; Kidron, R.; Kaufman, R. & Shaham, R. (2007). "Expecting irony: context versus salience-based effects". *Metaphor and Symbol*. 22 (2). Pp. 119-146.
- ----- (2011). "Will Anticipating Irony Facilitate it Immediately?" In M. Dynel (ed.), *the Pragmatics of Humor Across Discourse Domains* (19-31), Amsterdam: John Benjamins.
- Grice, H. P. (1975). "Logic and Conversation". In P. Cole and J. Morgan (Eds.), *Speech Acts: Syntax and Semantics* (41-58). New York: Academic Press.
- Just, M. A.; Carpenter, P. A. & Wooley, J. D. (1982). "Paradigms and processes in reading comprehension". *Journal of Experimental Psychology: General*. 111. Pp. 228-238.
- Katz, A. N. (1977). "*Propositional Structure and Illocutionary Force*". New York:

Thomas Y. Crowell.

- Kreuz, R. J. & Roberts, R. M. (1993). "The empirical study of figurative language in literature". *Poetics*. 22. Pp. 151-169.
- MacWhinney, B. (1987). "The Competition Model". In B. MacWhinney (Ed.), *Mechanisms of Language Acquisition* (249–308). Hillsdale, NJ: Lawrence Erlbaum Associates.
- McKinney, C. J.; MacCormac, E. R. & Welsh-Bohmer, K. A. (1999). "Hardware and software for tachistoscropy: How to make accurate measurements on any PC utilizing the Microsoft windows Operating System". *Behavior Research Methods, Instruments, & Computers*. 31. Pp. 129-136.
- Schwoebel, J.; Dews, S.; Winner, E. & Srinivas, K. (2000). "Obligatory processing of the literal meaning of ironic utterances: further evidence". *Metaphor and Symbol*. 15. Pp. 47–61.
- Shirazi Adl M. & Sasani F. (2013). "Perspective from cognitive linguistics point of view and its usage in fictional text analysis". *Language Related Research*. 4 (1). 65-87. [In Persian].
- Thornton, R.; MacDonald, M. C. & Arnold, J. E. (2000). "The concomitant effects of phrase length and informational content in sentence comprehension". *Journal of Psycholinguistic Research*. 29 (2). Pp. 195-203.
- Zajonc, R. B. (2000). "Closing the Debate over the Independence of Affect". In J. P. Forgas (Ed.), *Feeling and Thinking: the Role of Affect in Social Cognition* (31–58). Cambridge: Cambridge University Press.

Understanding Ironies in Graded Salience Hypothesis

Leila Erfanian Ghonsooli^{1*}, Shahla Sharifi²

1 Assistant Professor of Kashmar Higher Education Center, Kashmar, Iran.

2. Associate Professor of Linguistics, Ferdowsi University of Mashhad, Mashhad, Iran.

Received: 19/02/2018

Accepted: 28/04/2018

Abstract

The present study investigates the Graded Salient Hypothesis and its effect on irony in order to investigate what is an important factor in accessing to the meaning of irony. The purpose of this study was to measure RT (reading time) and to identify and explain the relationship between the three variables, context (literal, figurative), familiarity (familiar, less familiar and unfamiliar) and reading speed (slow, simultaneous, and Fast). The questions that this research sought to answer were:

1. Do unfamiliar ironies and two next expressions in the figurative and literal context are read with equal speed?
2. Do less familiar ironies and two next expressions in the figurative and literal context are read with equal speed?
3. Do familiar ironies and two next expressions in the figurative and literal context are read with equal speed?

The research material consisted of 46 ironies in the Persian language. Ironies were the result of a conversation between a 30-year-old woman and a 28-year-old man. These samples were the result of an 8-hour recording of non-consecutive conversations that were given to two experts to confirm the validity of ironies, and the examples in this study are the confirmed ironies. Then, for every irony, there was an affective context in the figurative meaning and an affective context in the literal meaning of that irony. A pre-test (pre-test 1) was conducted to determine the extent to which individuals were familiar with these ironies. The level of familiarity was determined on a seven-level axis, ranging from 1 (lowest familiarity) to 7 (highest familiarity). The subjects in this pre-test were 20 undergraduate students, this test was considered as their classroom work and for which they were given a score. In pre-test 2, to ensure that the literal and figurative contexts made for less familiar, familiar and unfamiliar ironies were equally strong, seven axial axes were drawn for each of the contexts. On one side, there was the literal

* Corresponding Author's E-mail: L.erfaniyan@kashmar.ac.ir

meaning of the irony and on the other side, the figurative meaning of the same irony was mentioned. The axis was divided into seven sections and participants were asked to indicate which meaning of every irony was closest to it and how close it was. Two booklets were produced so that each booklet represented only one type of context. One booklet contained various examples of less familiar, unfamiliar and familiar ironies in the literal context, and another booklet contained various examples of less familiar, unfamiliar and familiar ironies in the figurative context. The participants in this pre-test were two groups of 23 people (each consisting of 11 men and 12 women, aged 18 to 27 years) and this pre-test was as a classroom task for them to perform and to obtain score. Each booklet was assigned to one group and each group did not have access to the other group's booklet, and every participant only had access to one context type for every irony. Also, those who were selected for the pre-tests were not included in the main test. A software was used to perform a self-paced moving window test that was able to measure the reading time of expressions. Participants were confronted with high-speed Windows 7 computers (with three-core CPUs and 2 GB of main memory), and the software was run in front of them. The main test was conducted in two stages, with a time interval of two months. In the first stage, the participants were presented with irony in the figurative context and their reading speed was measured. In the second stage, the same subjects were presented with the same ironies in the literal context and their reading speed was measured. The two-month interval between the two tests was because reading one phrase in a particular context not to provide the key for that phrase in the other context. On the other hand, the same participant had to participate again in the second stage. Because his reading speed in the figurative context was to be compared with the reading speed of the same person in the literal context so that individual differences in reading speed did not interfere with the results. The results showed that the ironies did not fully support the Graded Salience Hypothesis, and the results were in contrast to this hypothesis, in that the context often outweighed the salient meaning and influenced perception. Therefore, context and salience effects were not parallel to each other. Also, based on the results of the research, it seems that the salient meaning in both the less familiar and familiar ironies was the figurative meaning and the salient meaning in the unfamiliar ironies was both literal and figurative meaning.

Keywords: Figurative language; Cognitive linguistics; Graded Salience Hypothesis, Irony.